

تحلیلی از جایگاه سیاسی حج در سیره معصومان علیهم السلام

محمدسعید نجاتی^۱

چکیده:

حج یکی از ارکان عبادی شریعت اسلامی است که در قرآن کریم و سیره معصومان علیهم السلام به آن توجه بسیاری شده است. عمق تاریخی حج (که به دوران حضرت ابراهیم علیه السلام باز می‌گردد) و طبیعت جاذبه‌خیز و گردهمایی‌ساز آن (که باعث جمع شدن مسلمانان مناطق مختلف جهان در ایامی خاص در مکه مکرمه و مشاعر نورانی آن می‌شود) بستری مناسب برای فعالیت‌های سیاسی دامنه‌دار است. فعالیت‌های سیاسی رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حج، دعوت یثربیان و دیگر قبایل به اسلام (پیش از هجرت)، صلح حدیبیه، عمره القضاء، حج برائت، حجة الوداع و فعالیت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در اعزام نیرو برای ممانعت از سلطه امویان بر حج و حرمین، اقدام سیدالشهدا علیه السلام در خطبه منا (سال ۵۸ ه.ق.) و پناه بردن به مکه و خروج به سمت عراق (در سال ۶۰ ه.ق.)، مواجهه امام سجاد و امام صادق علیهما السلام با خلفای وقت خود و بیان دشمنی برامکه با اهل بیت علیهم السلام و نفرین آنها از طرف امام رضا علیه السلام در حج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه در مکه از دیگر این فعالیت‌هاست. استفاده قیام‌گران علوی از ایام حج برای برپایی قیام، لااقل در قیام‌های مورد تأیید ائمه، می‌تواند مدعای مقاله را تأیید کند و برآیند تحلیل این فعالیت‌ها نشان‌دهنده جایگاه

۱. دکتری تاریخ، عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت، / ms.nejati@hzrc.ac.ir

والای حج در سیره معصومان است و حداکثر استفاده از مراسم حج و عمره برای اهداف سیاسی این بزرگواران در کنار حفظ جنبه های معنوی و عبادی این آیین الهی است. در این مقاله نویسنده با روش تحلیلی - نقلی به فعالیت های سیاسی معصومان در ایام حج به عنوان موضوعی بین رشته ای در حوزه سیره و تاریخ اسلام پرداخته است و این فعالیت ها را تحلیل و تبیین می کند. منابع این پژوهش روایات باقی مانده در مجامع روایی و گزارش های تاریخی مرتبط با سیره معصومان علیهم السلام است.

کلیدواژه ها: حج، سیره معصومان، سیاست و حج، زیارت و حج، زیارة الامام

مقدمه

حج از تعالیم دین مبین اسلام است و نمی تواند از بعد سیاسی دور باشد؛ چراکه تعالیم اسلام با سیاست تنیده شده است. حج نیز خود از ارکان اسلام و اثبات کننده بعد سیاسی اسلام است. جایگاه ویژه سیاسی امارت حج و اداره حرمین در طول تاریخ اسلام آن چنان مهم و تأثیرگذار بوده که برای دستیابی به آن، همواره میان سران دولت های مختلف اسلامی رقابت های شدیدی وجود داشته تا به آنجا که گاهی به جنگ و خونریزی نیز انجامیده است.

با این که برخی از پادشاهان مسلمان در زندگی خود چندان دین مدار نبودند، اما برای کسب مشروعیت و آبرو گرفتن از حج و حرمین، همواره هدایای گرانبها به حرمین فرستاده اند.

امامان اهل بیت علیهم السلام با توجه به جو اختناق حاکم بر جامعه در دوره حکومت امویان و عباسیان و دشواری ارتباط گیری آن بزرگواران با شیعیان و دوستان ایشان، که در اقصانقاط جهان اسلام پراکنده بودند، از فرصت حج چه برای شکل دادن ساختار معنوی مذهب و چه برای ارتباط میان امت و امام استفاده ویژه ای می بردند. آنان از این موقعیت و در پوشش حج گزارشی برای استمرار ارتباط معنوی و سیاسی با شیعیان همواره استفاده

می‌کردند و شیعیان را به ملاقات با امام، پس از انجام حج، تشویق می‌کردند؛ به گونه‌ای که حج بدون ملاقات با امام را حج ناقص می‌خواندند. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۷۸)

قیام‌های علویان نیز با بهره‌گیری از اجتماع و گرد آمدن شیعیان در موسم حج طرح‌ریزی می‌شد. در این زمینه می‌توان به قیام محمد بن عبدالله حسنی، نفس زکیه (برای تفصیل قیام بنگرید به: مسعودی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۹۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۲۲۸؛ بلاذری، ج ۳، ص ۹۴؛ طبری، ج ۷، ص ۵۵۲؛ ابن کثیر، ج ۱۰، ص ۸۱؛ الکامل، ج ۵، ص ۵۳۲) و قیام حسین بن علی، شهید فخر (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۴۳) اشاره کرد.

شاید بتوان گفت بارزترین شاخصه سیاسی حج در بعد جهانی با توجه به روایات، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه از کنار کعبه است.

فعالیت‌های سیاسی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حج

بعد سیاسی حج، همواره محل توجه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بوده است؛ به گونه‌ای که حضرت با استفاده از جایگاه معنوی و فرهنگی حج در اذهان مردمان جزیره العرب توانست به تبیین جایگاه حج در اندیشه دینی و فرهنگ ابراهیمی بپردازد. در ادامه به برخی از فعالیت‌های سیاسی ایشان در حج می‌پردازیم:

پایه‌ریزی حکومت مدینه در ایام حج

در عصر جاهلیت، مشرکان در سرزمین منا گردهم جمع می‌شدند و به پدران و اعمالشان تفاخر می‌کردند و آتش تعصبات قبیلگی را برمی‌افروختند. در آن فضای جاهلی، رسول خدا صلی الله علیه و آله از فرصت اجتماع مردم بهره گرفت و مردم را به خداپرستی دعوت کرد. ربیعه بن عباد دیلی می‌گوید:

دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از هجرت به مدینه در میان مردم منا در منازلشان می‌گشت و می‌فرمود: «یا ایها الناس إن الله عزوجل یأمرکم أن تعبدوه ولا تُشْرکُوا به شیئاً». به دنبالش مردی فریاد می‌زد: «او می‌خواهد شما از دین پدرانتان دست

بردارید». سؤال کردم او کیست؟ گفته شد او ابولهب است. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق،

ج ۳، ص ۴۹۲)

در سال یازدهم و دوازدهم بعثت رسول خدا ﷺ در ایام تشریق در منا با مردم مدینه دیدار کرد و عده‌ای از قبیله‌های اوس و خزرج به حضرت ایمان آوردند و از رسول خدا ﷺ خواستند تا به یثرب برود؛ چراکه آنان مانند فرزندان خود از ایشان حمایت و پشتیبانی خواهند کرد. (یوسفی غروی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۱۳)

رسول مکرم اسلام ﷺ در عملیات راهبردی صلح حدیبیه توانست با استفاده از جایگاه اجتماعی و فرهنگی حج در مردم حجاز، با یک کنش سیاسی، اجتماعی و نظامی خلاقانه کفار مکه را به چالش بکشد و آنان را وادار به پذیرش مسلمانان در سال بعد برای برگزاری عمره کند؛ صلحنامه‌ای که مقدمه نفوذ معنوی مسلمانان در مکه و در نهایت فتح مکه شد؛ چراکه کفار مکه به عنوان سردمداران و رهبران معنوی بت پرستان حجاز بر اساس صلح حدیبیه حکومت اسلامی را مشروع دانستند و روابط با آن را بر اساس چارچوب صلحنامه مجاز شمردند.

حضور پیامبر ﷺ در عمره القضا (سال هفتم) و اهتمام در حج برائت (سال نهم) به برائت جستن و مرزبندی با مشرکان در حج و در نهایت برگزاری حجة الوداع (در سال دهم)، که همه در سال‌های اخیر حیات قدسی ایشان رخ داد، از دیگر عناصر سیاست‌ورزی رسول اکرم ﷺ در حج است.

می‌توان عمره القضا را راهبرد پیامبر اکرم ﷺ برای نزدیک شدن کفار مکه و مسلمانان مدینه و قدرت‌نمایی مسلمانان بر مکیان دانست. در سیره آن حضرت در طواف آمده که ایشان در عمره القضا به مسلمانان سفارش کرد که بازوهای خود را از احرام بیرون بگذارند تا اثر شایعاتی که در گوش مشرکان دمیده می‌شد که مسلمانان مشتی پیرناتوان هستند، با دیدن عضلات و بازوهای پرتوان مسلمانان از بین برود؛ حضرت فرمود: «رحم الله امرء اراهم من نفسه جلدًا». (العاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۵۷) به خواست آن حضرت بت‌های صفا و

مروه هنگام سعی مسلمانان برچیده شد؛ گزارشی که حاکی از بی تابی و درد مشرکان مکه است که حالا مجبور بودند حضور پیامبر و مسلمانان را در حالی در مسجد الحرام تحمل کنند. درحالی که هفت سال قبل از آن، حضرت و مسلمانان را از مکه بیرون کرده بودند. از این رو بزرگان قریش هنگام وارد شدن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مکه بیرون رفتند و پس از پایان سه روز از آن حضرت با اصرار خواستند تا از مکه طبق معاهده بیرون رود.

به عنوان گامی مهم برای عادی سازی روابط، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این سفر با جناب میمونه (دختری از مکه) ازدواج کرد و از قریش مهلت خواست تا برای عروسی در مکه بماند و آنان را به ولیمه اش دعوت کرد. ولی قریشیان این دعوت را نپذیرفتند و با اصرار هرچه بیشتر از آن حضرت خواستند تا سریع تر از مکه خارج شود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۷)

حج برائت پس از فتح مکه و فتح حنین به وسیله مسلمانان صورت گرفت. در حقیقت در این سال پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درحالی که اکثریت مردم حجاز به اسلام گرویده بودند و گروه گروه مسلمان می شدند، مشرکانی که در حجاز به اقلیت تبدیل شده بودند را از رفتار مشرکانه و از برهنه شدن هنگام طواف به بهانه آیین خمس بازداشت و تازه مسلمانان ناآگاه یا غیر ملتزم را به تبعیت از دستورات اسلام درباره خمس وادار کرد و عملاً نفوذ فرهنگی و دینی مسلمانان را در حجاز تثبیت و اعلام کرد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اجتماع مردمان حج گزار در حجة الوداع، برای تبیین و نهادینه سازی مهم ترین تعالیم اسلام، از جمله ولایت، بهره گرفت و با کمک روحیه معنوی حاکم در حج توانست بسیاری از ارزش ها و سنن جاهلی را باطل کند؛ امری که معلوم نبود بدون استفاده از موقعیت حج و آمادگی ذهنی و روحی حج گزاران تازه مسلمان قابل دستیابی باشد.

فعالیت های سیاسی امامان شیعه در حج و عمره

۱. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام حج را مایه بقای اسلام ناب و مسلمانان می دانست

و در وصیت خود به فرزندان و پیروانش این‌گونه توصیه فرمود: «خانه خدا را رها نسازید و در حق آن کوتاهی نورزید». (فتال النیشابوری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۳۱۳)

امیر مؤمنان علیه السلام در بعد سیاسی نیز به اهمیت و جایگاه حج اهتمام ویژه‌ای داشتند؛ به‌گونه‌ای که هنگام بیم سلطه یافتن امیران اموی و حمله لشکر کارگزاران معاویه، پسر عموی خود را به مقابله با دست اندازی معاویه بر مراسم حج در دوره خلافت خود (سال ۳۹ق) به محافظت از کعبه و بیت الله و مقابله با استفاده سیاسی امویان از فرصت حج مأمور کرد. (ثقفی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰۷)

۲. امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام نیز از فرصت حج برای انتقاد از سیاست‌های معاویه و رساندن مواضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام با ایراد خطبه‌ای مهیج و اعتراضی در منای سال ۵۸ هجری بهره برد.

به نقل از سلیم بن قیس یک سال پیش از مرگ معاویه، حسین بن علی علیه السلام با عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر به حج رفتند. امام حسین علیه السلام مردان، زنان و یاران بنی هاشم و گروهی از انصار، که او و خاندانش را می‌شناختند، گرد آورد. سپس چند نفر را فرستاد و فرمود: «همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را، که به صلاح و عبادت معروف و امسال به حج آمده‌اند، نزد من جمع کنید». در پی این دعوت بیش از هفتصد نفر، که بیشتر آنان از تابعین و حدود دویست نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، در منا نزد آن حضرت گرد آمدند. امام حسین علیه السلام از ابتدا تا انتهای خطبه پس از احتجاج به هریک از فضایل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حاضران را سوگند می‌دهد و از آنان تأیید می‌گیرد و تمام حاضران اقرار می‌کنند که این فضایل یا اتفاق‌ها درباره شخصیت بی‌همتای حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام حقیقت دارد.

امام حسین علیه السلام همه حاضران را موظف کرد که پس از حج این مطالب را برای افرادی

که به آنان اعتماد دارند، بیان کنند. حضرت بعضی از ویژگی های امام معصوم را به طور ضمنی در خطبه برشمرد و با اشاره به سیادت اهل بیت، مقام و جایگاه خویش را یادآوری کرد. (ابن شبه، ج ۱، ص ۲۳۷)

امام حسین علیه السلام در سال ۶۰ هجری نیز با اقامت در مکه (از ماه رجب تا ذی القعدة) از فرصت حج و عمره و اجتماع حاجیان و عمره گزاران در مکه مکرمه برای آگاهی بخشی و زمینه سازی قیام خود بهره گرفت و با حرکت به سمت کوفه در یوم الترویبه و انتخاب این روز برای شروع قیام خود، بهترین استفاده را از حج برای اعلام انقلاب و تبیین مواضع خود انجام داد.

آن حضرت برای حفظ تقدس خانه خدا و مکه مکرمه از باقی ماندن در مکه اجتناب کرد و ابن زبیر را از این کار برحذر داشت. هرچند سرانجام ابن زبیر با قیام خود در مکه، باعث ویران شدن کعبه مکرمه و تعطیلی حج و درگیری نظامی در حرم امن الهی شد و برخلاف توصیه امام حسین علیه السلام و روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کرد. (نجاشی، ۱۳۹۲ ش، ج ۱، ص ۲۷)

۳. امام سجاد علیه السلام و عبدالملک بن مروان

در یکی از سفرها امام سجاد علیه السلام مشغول طواف بود. عبدالملک، خلیفه اموی نیز که در حال طواف بود، وقتی بی اعتنایی امام را دید، پرسید: «اینکه بی اعتنا به ما در حال طواف است، کیست؟!». گفتند: «او علی بن الحسین علیه السلام است». در جایگاه خود نشست و گفت: «او را نزد من آورید».

وقتی با امام روبه رو شد گفت: «ای علی بن حسین، من قاتل پدر تو نیستم، چرا نزد ما نمی آیی؟!». امام سجاد علیه السلام فرمود: «قاتل پدرم با کار خود، دنیایش را خراب کرد و پدرم آخرت قاتلش را، اگر می خواهی توهم چنین کن!». عبدالملک گفت: «هرگز! اما پیش ما بیا تا به دنیای ما دست یابی». امام سجاد علیه السلام نشست و دامن خود را گشود و گفت:

«خداوندا، احترام اولیای نزد خود را به او نشان بده». ناگاه دامن امام پراز دُر شد؛ به طوری که شعاع آنها چشم را خیره می ساخت. فرمود: «کسی که احترامش نزد پروردگار این گونه است، به دنیای تو احتیاجی دارد؟» سپس فرمود: «خدایا، اینها را بگیر که من به آنها احتیاج ندارم». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۱۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۱۲۴)

امام سجاد علیه السلام و هشام بن عبدالملک

هشام بن عبدالملک به عنوان ولیعهد در موسم حج، خواست حجرالأسود را استلام کند که از کثرت جمعیت موفق نشد. منبری برای او گذاشتند، روی آن نشست و شامی ها او را گرد خانه طواف می دادند، امام علی بن الحسین علیه السلام با لباس احرام و با شمایل بسیار زیبا شروع به طواف کرد. وقتی به حجرالأسود رسید، مردم از مهابت آن حضرت راه گشودند تا حجرالأسود را استلام کند. یکی از اهالی شام از هشام پرسید: «ای امیرالمؤمنین، این شخص کیست؟» هشام برای اینکه مردم به حضرت توجه نکنند، گفت: «او را نمی شناسم». فرزندق، شاعر چیره دست که در آنجا حاضر بود، گفت: «ولی من او را می شناسم». شامی به فرزندق گفت: «ابوفراس، او کیست؟» فرزندق همانجا در وصف امام سجاد علیه السلام قصیده ای در چهل بیت سرود. هشام خشمگین شد، فرزندق را از پرداخت حقوق منع کرده و او را در عسفان، میان مکه و مدینه، زندانی کرد. امام سجاد علیه السلام نیز از فرزندق دلجویی کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۱۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۶، ص ۱۲۴)

۴. امام باقر علیه السلام و هشام بن عبدالملک

عبدالرحمان بن عبدالله زهری می گوید: هشام بن عبدالملک مروان وارد مسجد الحرام شد و درحالی که بر غلام خود (سالم) تکیه کرده بود، چشمش به محمد بن علی بن حسین علیه السلام افتاد. مردم گرداگرد او را گرفته بودند تا از طواف خارج شد. هشام گفت: «این فرد کیست؟» گفته شد: «او محمد بن علی بن حسین علیه السلام است». هشام گفت: «پس او

کسی است که اهل عراق را به خود فریفته است». گفتند: «بله!» هشام گفت: کسی نزد او برود و به او بگوید امیرالمؤمنین هشام می‌گوید: «مَا أَلَذِي يَأْكُلُ النَّاسُ وَيَشْرَبُونَ إِلَيَّ أَنْ يُفْصَلَ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ «به من خبرده روز قیامت، مردم چه چیزی می‌خورند و می‌آشامند تا اینکه بین آنها جدا شود؟» یکی از نزدیکان هشام نزد امام باقر علیه السلام آمد و سخن هشام را به امام ابلاغ کرد. امام باقر علیه السلام در جواب او فرمود: «مردم در روز قیامت از آب و نانی که خداوند برایشان فراهم کرده می‌خورند تا از حساب عمل خود فارغ شوند». فرستاده هشام جواب امام را رساند. هشام خیال کرد با این سؤال بر حضرت پیروز شده. به فرستاده اش گفت: «به سوی محمد بن علی علیه السلام برگرد و به او بگو چه چیزی آنها را از خوردن و آشامیدن باز می‌دارد؟!». فرستاده بازگشت و پیام او را به امام رساند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«به او بگو آنها به خدا قسم در آتش مشغول‌ترند و آنچه آنها را مشغول کرده باعث شده که بگویند:

﴿أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ﴾. (اعراف: ۵۰)

ما را از آب‌های گوارا یا نعمت‌های بهشتی که خدا روزی شما کرده بهره‌مند کنید. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۶۴؛ شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۱۰) هشام بعد از شنیدن این جواب امام علیه السلام ساکت شد و دیگر جوابی نداد.

۵. امام صادق علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام همراه پدرشان امام باقر علیه السلام به حج رفته بودند. آن سال هشام بن عبدالملک، حاکم وقت، نیز در مراسم حج حضور داشت. در آن ایام امام صادق علیه السلام در برخی از نطق‌های خویش به مسائل سیاسی تعرض و جایگاه خویش را مطرح می‌کرد. وی پیروان اهل بیت علیهم السلام را سعادتمندان و دشمنان و مخالفانشان را شقی و تباهکار خواند. ایشان در ضمن این خطبه درباره کسانی که به زبان ادعای پیروی اهل بیت علیهم السلام

را دارند و در عمل دشمنان، همنشینان و یارانیشان را دوست دارند، فرمود: این شخص فرمان خداوند را درباره ما ننشیده و عمل نکرده است. (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳۳؛ شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۰۴)

این جملات کاملاً گویای یک موضع سیاسی فعال و ضد دستگاه حاکم است که امام صادق علیه السلام، آن هم در زمانی که هنوز مقام امامت به عهده پدرشان است، ایراد کرده‌اند. براساس همین نقل این سخنان باعث شد تا هشام بن عبدالملک امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را پس از مراسم حج به شام احضار و برای قتلشان توطئه کند.

۶. امام کاظم علیه السلام

قیام فخر، که در ایام حج به وقوع پیوست با حمایت امام کاظم علیه السلام انجام شد. (چلونگر و نجاتی، ۱۳۹۴ش، ص ۷-۲۹)

۷. نفرین امام رضا علیه السلام بر برامکه در موافق

امام رضا علیه السلام بارها خاندان برامکه، که سال‌ها وزارت عباسیان را برعهده داشتند و در آن عصر قدرتمندترین خاندان دربار عباسی بودند، را به خاطر نقششان در شهادت امام کاظم علیه السلام در مسیر حج، کنار کوه فارغ و در وقوف عرفات نفرین کرد (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۸۸؛ شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۵۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۴۰) و از نابودی آنان و استجابت نفرینش خبر داد. دیری نگذشت که خبر کشته شدن جعفر برمکی و زندانی شدن پدر و برادرش رسید و احوال برامکه تغییر کرد. (کلینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۸۸؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۴۰)

۸. آغاز قیام امام عصر در مکه

بی شک سیاسی‌ترین فعالیت امامان معصوم علیهم السلام قیام حضرت حجت علیه السلام است. با توجه به روایت‌های فراوان می‌توان دید که شروع این قیام از مکه پیشگویی شده است. افزون بر تقدس ویژه و مرکزیت این مکان در امور معنوی و ملکوتی، قطعاً جایگاه اجتماعی

و شناخته شدن و محل توجه بودن آن نیز در این انتخاب الهی تأثیر داشته است.

طبق روایات متعددی امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور، قیام خود را از مکه مکرمه و از کنار خانه کعبه مشرفه آغاز می‌کند. آن حضرت در کنار کعبه پرچم خود را برافراشته می‌کند و در حد فاصل میان رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم از یاران خود بیعت می‌گیرد و در حالی که ۳۱۳ نفر از یارانش گرد اویند به دیوار کعبه تکیه می‌زند و آیه شریفه ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (هود: ۸۶) را تلاوت می‌کند و خود را چنین معرفی می‌کند: «انا بقية الله في ارضه»؛ «من امتداد خداوند در روی زمین هستم». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۲، ص ۱۹۳) (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۱؛ طوسی، ۱۴۲۵، ص ۴۵۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۹) آن‌گاه از عموم مردم بیعت می‌گیرد و هنگامی که شمار یارانش به ده هزارتن رسید، حرکت خود را به سمت کوفه آغاز می‌کند. (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۲۰)

نتیجه‌گیری

استفاده بهینه از فرصت حج و عمره برای پیشبرد اهداف متعالی اسلام در بعد سیاست یکی از جنبه‌های قطعی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام است. این بهره‌برداری سیاسی کنار حفظ جنبه معنوی و ملکوتی حج در سیره معصومان بوده است. استفاده از جنبه تبلیغاتی حج برای اهداف سیاسی در سیره معصومانی چون رسول مکرم اسلام در غزواتی چون حجة الوداع و حج برائت، در سیره امام حسین علیه السلام به صورت توقف در مکه در ماه‌های حج و خروج از آن در یوم الترویة سال ۶۰ هجری و در سیره امامان پس از آن بزرگوار به صورت ارتباط‌گیری با شیعیان نقاط مختلف نمودار است. استفاده اجتماعی و نظامی از حج برای پیشبرد اهداف سیاست الهی در سیره پیامبر مکرم اسلام در غزواتی مانند حدیبیه، عمرة القضاء و در قیام حضرت حجت به روشنی مشهود است و استمرار این جایگاه از آن فهمیده می‌شود.

منايع

قرآن كريم

١. ابن اثير جزري، على بن محمد، (١٣٨٥ق)، الكامل في التاريخ، بيروت، دار صادر.
٢. ابن حنبل، احمد بن حنبل (١٤١٦ق)، مسند الامام احمد بن حنبل، محقق: عرقسوسى محمدرضوان، بيروت، مؤسسه الرسالة.
٣. ابن سعد، محمد بن سعد، (١٤١٨ق)، الطبقات الكبرى، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دارالكتب العلمية.
٤. ابن شبة، حسن بن على، (١٤٠٤ق)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسين.
٥. ابن شهر آشوب، محمد بن على، (١٣٧٩ق)، مناقب آل ابى طالب، قم، علامة.
٦. ابن عبدالوهاب، حسين بن عبدالوهاب، (بى تا)، عيون المعجزات، قم، مكتبة الداورى.
٧. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (١٤٠٨ق)، البداية و النهاية، به كوشش على شيرى، بيروت، داراحياء التراث العربى.
٨. ابوالفرج، اصفهاني، (١٣٧٤ش)، مقاتل الطالبين، شريف رضى،
٩. اربلى، على بن عيسى، (١٣٨٢ش)، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، ترجمه و شرح على بن حسين زواره اى، تهران، انتشارات إسلامية، چاپ سوم.
١٠. بلاذرى، احمد بن يحيى، (١٤١٧ق)، انساب الأشراف، به كوشش زكار و زركلى، بيروت، دارالفكر.
١١. ثقفى، ابراهيم بن محمد، (١٤٠٧ق)، الغارات، محقق: عبدالزهرا حسيني، بيروت، دارالاضواء.
١٢. چلونگر، محمد على، نجاتى، محمد سعيد، (١٣٩٤ش)، «بررسى رويکرد سياسى و معنوى امامت شيعه در زندگى امام كاظم (عليه السلام)»، دوره ١٦، شماره ١.
١٣. شامى، يوسف بن حاتم، (١٤٢٥ق)، الدر النظيم جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، قم، مؤسسة النشر الإسلامى.
١٤. شيخ صدوق، (١٤٠٤ق) عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، محقق: شيخ حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة اعلمى.
١٥. -----، (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، تصحيح على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
١٦. طبرسى، احمد بن على، (١٤٠٣ق)، الإحتجاج على أهل اللجاج، مصحح: محمد باقر خراسان،

بی جا، نشر مرتضی.

۱۷. طبری، محمد بن جریر، (بی تا)، تاریخ الامم والملوک، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت.
۱۸. -----، (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامة، قم، مؤسسه البعثه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ق)، الغیبه، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامیة.
۲۰. عاملی، جعفر مرتضی، (بی تا)، الصحیح من سیره النبی الأعظم، بیروت، المركز الاسلامی للدراسات.
۲۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ق)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات شریف رضی (افست نجف).
۲۲. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف، چاپ اول.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵ش)، الاصول من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد و دیگران، (۱۳۹۳ش)، دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، دار الحدیث.
۲۶. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۱۱ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، اعلمی.
۲۷. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (۲جلدی)، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۲۸. نجاتی، محمدسعید، «ابن زبیر، عبدالله بن زبیر»، (۱۳۹۲ش)، دانشنامه حج و حرمین، تهران، مشعر.
۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تهران، نشر صدوق.
۳۰. هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، محقق و مصحح: انصاری زنجانی خوئینی و محمد الهادی، قم.
۳۱. یوسفی غروی، محمدهادی، (۱۴۱۷ق)، موسوعة التاريخ الاسلامی، قم، مجمع الفکر الاسلامی.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی